ادامه از صفحه اول

«معضل» انتخابات برای اصلاح‌طلبان

در مقابل اصولگرایان علاوه بر اینها، ظرفیت‌های مدرن را نیز به گستردگی در اختیار داشته و از آنها بهره‌مندند. از سوی دیگر جریان مدعی اصلاح‌طلبی یا به گفتمان معرفتی روشن و منسجمی نرسیده است یا اگر هم رسیده است، از فضاهای اندک در اختیارش به‌درستی نمی‌تواند استفاده کند. کدام حزب و کانون سیاسی و دارای شناسنامه اصلاح‌طلب تلاش کرده در طول سال به صورت ثابت اقدام به برگزاری نشست‌ها و میزگردها و همایش‌های فکری، فرهنگی و... کند؟ احزاب و کانون‌های اصلاح‌طلب چقدر به کادرسازی وفادار به اندیشه‌های اصلاحی توجه نشان داده‌اند؟ اصلاح‌طلبان چند درصد توانسته‌اند فرهنگ عمومی ما را در این نزدیک به سه دهه حضور در ساحت عمومی و سپهر سیاست اصلاح کنند و مثلا آن را اخلاقی‌تر کنند؟ همراهان اصلاحات- به معنای پیروان ایشان- چه وجه تمایز اخلاقی و رفتاری‌ای با دیگران دارند که در جذب دیگران موفق شوند و دیگران را به خویش دعوت کنند؟ ادبیات‌شان متفاوت است یا آن‌گاه که در قدرت قرار گرفته‌اند، رفتارشان با جریان رقیب متفاوت بوده است؟ همه این ضعف‌ها و محرومیت‌های جریان اصلاح‌طلبی از یک سو و ناتوانی معرفتی و ساختاری ایشان از سوی دیگر مواجهه این جریان با بسیاری از رهاوردهای جهان جدید ازجمله مقوله انتخابات را تبدیل به یک معضل کرده است؛ معضلی که راه‌حل‌های چندی اگر داشته باشد، به نظر می‌رسد اولین و مهم‌ترین‌شان بازخوانی داشته‌های معرفتی و فکری و رفتاری‌شان از یک سو و تلاش برای بهره‌گیری از فضاهای اندک در اختیارشان در راستای اصلاح فکر و فرهنگ عمومی از سوی دیگر است. جریان اصلاحات تا زمانی که فقط راه یا بهترین راه نفوذ و حضورش را قرارداشتن در مسئولیت‌های رسمی اعم از دولت و مجلس و شورا و... بداند و از کار تشکیلاتی برای اصلاح فکر و فرهنگ و اخلاق خود و عموم شهروندانش غفلت بورزد، کماکان با این معضلات درگیر خواهد بود. این مسئله و مسائل را می‌توان در محیط‌های علمی و آکادمیک حل کرد؛ اما یک مسئله وقتی تبدیل به معضلی می‌شود، تنها راه رهایی از آن بهره‌گیری از عموم شهروندان است. آنان که خود را اصلاح‌طلب می‌دانند، باید از شهروندان شروع کنند؛ چراکه جهان جدید را نخبگان نمی‌سازند و راهبری نمی‌کنند؛ بلکه شهروندان هستند که آن را می‌سازند و در راهبری آن نقش جدی دارند.

نقشه ترامپ علیه ایران عملی شده است؟

این مسئله بنزین الگویی است برای بقیه کارهایی که در اقتصاد انجام نشده و کار را به اینجا رسانده؛ یعنی تحریم آمریکا همراه با بدعملی متولیان کشور، اینک به موفقیت ترامپ تعبیر می‌شود، درحالی‌که با جدی‌گرفتن تحریم می‌شد بسیاری از آثار تحریم را برطرف کرد. بااین‌حال تضعیف داخلی و تمسخر دولت، صهیونیست‌خواندن رئیس‌جمهور توسط بلندگوهایی که خود را مقید می‌دانند و نشان‌دادن اختلاف بین رؤسای سه قوه که با گوشه‌وکنایه و حتی به صراحت علیه هم موضع می‌گیرند و نهایتا بی‌اعتمادی مردم، از آثار دیگر پیروزی ترامپ است. به سیمای جمهوری اسلامی و به‌ویژه شبکه افق نگاه کنیم. اینان مأموریت تخریب و ناکارآمد نشان‌دادن دولت را برعهده گرفته‌اند با تأسف نیز باید گفت خود شخص رئیس‌جمهور با بیانات انفعالی و نادرست و گاه غیرقابل‌قبول که در شأن ریاست‌جمهوری نیست، در این بی‌اعتمادی سهیم است. البته مخالفان و هتاکان دولت هم با وجود علم به تحریم‌ها و مسائل مرتبط با آن همه شرایط را عادی جلوه می‌دهند و رئیس‌جمهور را نه به‌خاطر نبود طرح متقابل تحریم، بلکه به دلیل عدم توانایی او در ایجاد شرایط بهتر رفاه عمومی و پرکردن سفره‌های مردم مورد مؤاخذه قرار می‌دهند. آنان این‌طور تبلیغ می‌کنند که دولت (یعنی کل دولت و نه هیئت وزیران) هیچ اقدامی انجام نمی‌دهد و فقط به پرداخت حقوق نجومی و زندگی در قصرها روزگار می‌گذراند.آنان به‌جای آنکه به قول معروف دل مردم را خالی کنند و به دنبال برکناری و لکه‌دارکردن یک شخص و آوردن شخص دیگر باشند، می‌توانند سیاست‌ها و نقشه‌هایی را متناسب با امکانات کشور طراحی کنند. نباید فراموش کرد علاوه‌بر مسائل جاری و اقتصاد خانواده‌ها که اکنون بیشتر رخ می‌نماید، به نوعی فرسودگی و سترون‌شدن نزدیک می‌شویم. در این هیاهوی حیدری‌نعمتی، سرزمینمان روزبه‌روز تکیده‌تر می‌شود. چاره‌ای نیست مگر اینکه به هر چهار بُعد دولت، ملت، سرزمین و نظام و رابطه آنها با یکدیگر و مسئولیت اختیارات هرکدام توجه کرده و نقشه راه درستی برای برون‌رفت از بحران و ارتقای هر چهار بُعد طراحی شود. می‌توان با تکیه بر منابع طبیعی خدادادی و نیروی انسانی برجسته و فرهیخته کشور در این راستا گام برداشت. هنوز هم کم نیستند نیروهای توانمندی که معتقدند این امر ممکن و شدنی است، مشروط بر اینکه بر احساسات زودگذر و شعارهای خالی از عقل سلیم فائق شده و آموزه‌های قرآنی را فراراه قرار داده و حفظ ایران را بر همه‌چیز مقدم بشماریم. بدانیم مقاومت همراه با تعقل و راه‌شناسی نه فقط ترامپ و اذناب او که دولت‌های دیگر را نیز می‌تواند ناامید و مستأصل کرده و در سوی مقابل، ملت ایران را امیدوار و سرافراز کند.

بررسی چرایی اصرار برخی نیروهای سیاسی بر استعفای رئیس‌جمهور:

روحانی در کشاکش بودن و نبودن

عکس: لیلا قدرت‌الهی‌فرد، فارس

شرق: حسن روحانی هرچه در دولت اولش خوش‌اقبال بود، در دولت دومش کامروا نشد. هرچند بداقبالی دولت دوم او صرفا به افزایش انتقادهای مخالفانش مربوط نیست و نوع عملکردش پس از خروج آمریکا از برجام و بی‌انگیزگی او و کابینه‌اش بر موانع پیش پای دولت دامن زد و باعث شد که بعد از شش سال بحث استعفای رئیس‌جمهور حتی از پایگاه حامی‌اش یعنی اصلاحات شنیده شود. سیر تطور مناسبت روحانی با نیروهای اصلاح‌طلب نشان‌دهنده متزلزل‌شدن پایگاه سیاسی دولت است؛ به‌نحوی‌که از یک حمایت همه‌جانبه و به زعم برخی یک ائتلاف فراگیر میان اصلاح‌طلبان و روحانی کار از نقد فراتر رفته و به درخواست استعفا رسیده است؛ درخواست‌هایی که صدایش به گوش دولتی‌ها و مشخصا علی ربیعی، سخنگوی دولت هم رسید. ربیعی روز گذشته در نشست خبری هفتگی خود در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران درباره پیشنهاد استعفا از سوی برخی اصلاح‌طلبان با پیشنهاد اسحاق جهانگیری گفت: «به‌هیچ‌عنوان بحث استعفای رئیس‌جمهور مطرح نیست. من صمیمیتی هم با آقای جهانگیری دارم و زیاد گفت‌وگو می‌کنیم، نه چنین ایده‌ای دارند و نه این موضوع صحت دارد... برخی می‌گویند به دلیل اعتراض که نمی‌گذارند دولت کار کند، رئیس‌جمهور باید استعفا دهد. برخی هم از ابتدای عمر دولت می‌گفتند دولت شش‌ماه بیشتر نمی‌ماند، متأسفانه توجه نمی‌کنند در چه شرایطی هستیم. اتفاقاتی که افتاده و فشارهایی را که تحمیل شده در نظر بگیرند. یکی از مشکلات ما سخن‌نگفتن و اطلاع‌نرساندن بوده است. دولتی که در شش‌سال کارنامه خوبی از قدرت خرید و اشتغال مردم داشته، باید بگوید چرا می‌خواهید عامل تحریم را نادیده بگیرید؟ ما معتقد هستیم این روزها خواهد گذشت، دولت همه تلاش خود را برای عبور از این روزها خواهد کرد».

نسبت اصلاح‌طلبان با استعفای روحانی

منتقدان دولت که اکنون خواستار کناره‌گیری روحانی هستند، دیگر صرفا منحصر به جبهه اصولگرایی نمی‌شوند و اکنون برخی از اصلاح‌طلبان هم به‌طور رسمی اعلام می‌کنند که روحانی باید برود. چند روز پیش عباس عبدی در گفت‌وگو با هفته‌نامه «صدا» گفته است: «دولت دیگر قادر نیست هیچ تصمیمی بگیرد؛ مگر تصمیمات بسیار خرد که هیچ دردی را دوا نمی‌کند. اگر تصمیمات را به سه سطح بسیار بالا، میانی و پایین تقسیم کنیم؛ الان، به نظر می‌رسد دولت در سطوح پایین هم قادر به تصمیم‌گرفتن نیست. مگر تصمیمات روتینی که به‌نوعی برای تمشیت امور است. با این وضع، اصلا نمی‌توان ادامه داد. این شرایط، هیچ‌گاه پیش‌ازاین برای ایران به وجود نیامده بود... استعفا و کناره‌گیری رئیس‌جمهور محل نزاع را بیشتر مشخص می‌کند. در سیاست، تضمینی وجود ندارد. فقط بحث این است که از این وضعیتی که به‌هیچ‌وجه قابل دفاع نیست، عبور کنیم. حالا بعد از آن، دولت و حکومت خودش باید به این نتیجه برسد که می‌تواند انتخاباتی را برگزار کند که چهار نفر از گرایش‌ها و جناح‌های مختلف بیایند و بتوانند امیدی به مردم دهند». عبدی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به اصلاح‌طلبان سفارش کرده است که «بگویند ما اصلا حامی روحانی نیستیم، کاری به او نداریم و او هم، هر کاری می‌خواهد بکند».

چنین دیدگاه‌هایی چندی است که از سوی برخی اصلاح‌طلبان مطرح می‌شود که حاوی چند نکته است؛ نخست آنکه همان‌طورکه خود عبدی هم در بخش‌هایی از گفت‌وگوی اخیرش اشاره کرده است، در صورت استعفای رئیس‌جمهور صرفا انتخابات زودرس برگزار نمی‌شود و بر اساس اصل ۱۳۱ قانون اساسی معاون اول جایگزین رئیس‌جمهور می‌شود و با «موافقت» مقام رهبری همان اختیاراتی را خواهد داشت که رئیس‌جمهور دارد. یعنی گویا اراده قانون‌گذار قانون اساسی این است که اگر مقام رهبری موافقت نکند، معاون اول تا برگزاری انتخابات جانشین رئیس‌جمهور می‌شود؛ اما بدون اختیار. در بخش دیگر اصل مذکور آمده است: «در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز درصورتی‌که رئیس‌جمهور معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند». یعنی این احتمال هم وجود دارد که رئیس‌جمهور بر اساس انتصاب تعیین شود.

دیگر آنکه برخی اصلاح‌طلبان می‌گویند هیچ تضمینی وجود ندارد که رئیس‌جمهور بعدی بهتر باشد، درعین‌حال همچنان از استعفا حمایت می‌کنند. این گزاره هم شبیه به سیاست تعدادی از اصلاح‌طلبان در دهه۷۰ است که طرح عبور از هاشمی را رقم زدند که بعدها پیامدهای سیاسی آن مشخص شد؛ از سوی دیگر استعفای رئیس‌جمهور خطری برای نهاد انتخابی در ایران به حساب می‌آید و لزوما به حسن روحانی بازنمی‌گردد؛ یعنی با استعفای روحانی این امکان وجود خواهد داشت که بعد از این هر رئیس‌جمهوری به هر دلیلی نتوانست یا نخواست مسئولیت‌هایش را اجرا کند، به رأی مردم پشت کرده و وظایفش را ترک کند و از پاستور برود یا با این شیوه آرام‌آرام فضایی فراهم شود که انتصاب جایگزین انتخاب شود و شاید منطقی به نظر نرسد که برای آمدن رئیس‌جمهوری که «هیچ تضمینی» به مؤثربودنش نیست، نهاد انتخابی را به خطر اضمحلال بکشانیم.

یا وقتی گفته می‌شود که اصلاح‌طلبان باید روحانی را رها کنند، این موضوع در نظر گرفته نمی‌شود که اصلاح‌طلبان در قبال حمایتی که کرده‌اند، مسئولیت دارند؛ همان حرفی که عارف هم چند روز پیش گفت و اگر باب شود که احزاب در قبال تصمیمات خود پاسخ‌گو نباشند، دیگر تحرک حزبی برای مردم معنایی نخواهد داشت. البته این سیاستی است که از چند وقت پیش برخی اصلاح‌طلبان در پیش گرفته‌اند و برای آنکه سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان در آستانه انتخابات آنها را مورد پرسش قرار ندهد، سعی می‌کنند خود را مبرا از روحانی جلوه دهند.

در مقابل، طیفی بی‌قید و شرط مدافع روحانی هستند و چند سال است که از روحانی و تیمش در هر شرایطی دفاع می‌کنند و هنوز هم ائتلاف با نیروهای اصولگرای میانه‌رو را بهترین سیاست می‌دانند. عده‌ای از اصلاح‌طلبان هم سعی می‌کنند در عین مطرح‌کردن انتقادهای خود، دولت را به تحرک وادارند. مجموعا در میان اصلاح‌طلبان درباره استعفای روحانی صدایی واحد به گوش نمی‌رسد.

البته دفاع یا مخالفت با استعفای روحانی به معنای نفی انتقادهای بسیاری که به دولت است، نیست؛ بلکه سخن آن است که درخواست استعفا می‌تواند پیامدهای منفی بیشتری نسبت به ماندن دولت داشته باشد.

مناسبت اصولگرایان با استعفای روحانی

ماجرا اما در جبهه اصولگرایی متفاوت است و بسیاری از اصولگرایان تند و معتدل مخالف استعفا یا استیضاح روحانی شده‌اند؛ به‌نحوی‌که روز گذشته اسدالله بادامچیان، دبیرکل حزب مؤتلفه، به‌صراحت با استعفای روحانی مخالفت کرد یا چند روز پیش عباس سلیمی‌نمین در گفت‌وگویی استعفای روحانی در شرایط فعلی را نادرست دانست و گفت: «طرح استعفا و استیضاح حسن روحانی برخلاف مصالح ملی است. مصالح ملی ما حکم می‌کند که رئیس‌جمهوران منتخب مردم، بتوانند از فرصتی که به آنها داده شده است، استفاده ببرند. یعنی از زمان قانونی خود استفاده کنند تا از توانمندی‌های خود استفاده و آن را عرضه کنند. اینکه در قالب دلسوزی برای ملت بخواهیم چنین کاری کنیم، چندان توجیه‌پذیر نیست و بیشتر از سنخ عوام‌فریبی و عوام‌زدگی است... استیضاح یا استعفا در شرایط اضطراری مطرح است و صرفا به‌دلیل ناکارآمدی و کم‌کاری به‌راحتی نمی‌توان هر دولتی را استیضاح یا تشویق به استعفا کرد».

شاید چنین مواضعی از اصولگرایانی که از ابتدا سعی می‌کردند با دولت روحانی کنار بیایند، پذیرفتنی باشد اما شنیدن مخالفت با استعفا از زبان کسانی که تا چندی پیش مدافع سرسخت انداختن دولت بودند عجیب به نظر می‌رسد. خاصه آنکه حتی ایشان اصلاح‌طلبان را متهم به توطئه علیه دولت می‌کنند و پاسخ نمی‌دهند این چه توطئه‌ای است که تا همین یک سال پیش خودشان به دنبال اجرایش بودند. از یاد نمی‌رود که جمعی از آنها در مجلس تا پای جمع‌آوری امضا برای طرح عدم کفایت حسن روحانی هم پیش رفتند و عده‌ای در بیرون در اندیشه سازوکار جانشینی بودند و حتی برخی نهادها به ادعای ضرغامی و باهنر به رهبری پیشنهاد داده بودند که به‌جای دولت زمام امور اقتصادی را در دست بگیرند. در سال‌های گذشته نیز در مقاطع مختلف بحث کناررفتن روحانی مطرح بوده، به ویژه در سال۹۶ پس از اعتراضات دی‌ماه این موضوع به‌شدت از جانب رسانه‌های اصولگرا مورد توجه قرار گرفت اما در آن مقطع روحانی با قاطعیت اعلام کرد که استعفا نخواهد داد. در درون حاکمیت نیز مخالفت‌هایی با این ایده صورت گرفت.

رسانه‌های اصولگرا که تا پیش از این در باب رفتن روحانی نقطه‌نظر جمع می‌کردند حالا برعکس سراغ آن دسته از اصولگرایان می‌روند که همان زمان هم با استیضاح مخالف بودند. محمدرضا باهنر، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین، به باشگاه خبرنگاران جوان گفته است: «مطرح‌شدن استعفا یا استیضاح روحانی به عنوان رئیس‌جمهور در شرایط امروز کشور را حتی اگر از سوی برخی در جریان اصولگرایی باشد نادرست می‌دانم و با آن مخالفم.» باهنر با بیان اینکه در تاریخ انقلاب اسلامی یک‌بار مجلس از اختیار قانونی خود برای عزل رئیس‌جمهور استفاده کرده است، گفت: «تنها زمانی که مجلس به عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور رأی داده است در مجلس اول بود و نصیب سیدابوالحسن بنی‌صدر شد که البته درست هم بود اما من امیدوارم دیگر هیچ‌گاه این اتفاق تکرار نشود».

سایت اصولگرای جهان‌نیوز هم در تحلیل چرایی طرح بحث استعفای روحانی بدون اشاره به اینکه چه کسانی تا همین اواخر موافق کناررفتن روحانی بودند، مدعی شده است که احتمالا پای برخی از عوامل دولتی متهم به مفاسد اقتصادی و نگران از حسابرسی کارنامه خود در آینده نزدیک در میان باشد. این سایت ماجرا را به جهانگیری ربط داده و نوشته در این میان جهانگیری باید انگیزه‌های خاص‌تری برای راه‌انداختن زمزمه استعفای حسن روحانی در هیئت دولت داشته باشد.

روزنامه جام‌جم هم نوشته است: «پشت‌پرده پیشنهاد استعفای روحانی هر چه هست و هر دستاورد و ضرری برای آن متصور باشیم، اما به نظر می‌رسد در آینده باید شاهد طرح موارد بیشتری از این دست پیشنهادها باشیم. چراکه اگر چنین پیشنهادی محقق شود، همان‌طور که گفته شد می‌تواند منافعی برای برخی حامیان پیشین دولت روحانی داشته باشد و اگر هم محقق نشود، حداقل منفعت آن این است که برای مدتی افکار عمومی را به خود مشغول کرده و از مسائل اصلی کشور منحرف می‌کند... حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: نخیر، دولت باید با قوّت سرِ کار بماند، کارها را باید این دولت انجام بدهد».

سید نظام موسوی، از فعالان رسانه‌ای اصولگرا و مدیرمسئول پیشین خبرگزاری فارس، در توییتی درباره بحث «استعفای روحانی» نوشت: «استعفای مقامات سیاسی عموما دو دلیل دارد: یا به‌دلیل ناتوانی در انجام وظایف است یا محدودیت اختیارات. اختیارات آقای روحانی به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و سیاست خارجی تقریبا از همه رؤسای‌جمهور قبلی بیشتر بوده و هست. پس طرح استعفای روحانی از جانب برخی هم‌پیمانان سیاسی او چه دلیلی دارد؟».

یکی از نویسندگان پیشین کیهان هم مدعی شده است که «داستان استعفای روحانی را جدی نگیرید، استعفا در این زمان، بخشی از عملیات براندازی است و بی‌عقوبت نمی‌ماند». محمد عبداللهی، از فعالان رسانه‌ای اصولگرا نیز به همین تندی به این ایده حمله کرده است. او می‌گوید: «فشار اصلاح‌طلبان تندرو برای استعفای روحانی، اگرچه تلاشی برای زیر میز زدن و نجات خود از کارنامه دولت است، اما درواقع تبعیت از دکترین شوک براساس مدل عراق و لبنان است که می‌تواند کشور را با یک تلاطم ساختاری روبه‌رو کند. ناآرامی سیاسی که ناآرامی اجتماعی را به دنبال خواهد داشت!»

سید یاسر جبرئیلی نیز استعفای روحانی را «انتحار سیاسی» می‌داند. او دراین‌باره نوشته است: «از کسی که همه سرمایه اجتماعی خود را باخته باشد، انتحار سیاسی بعید نیست. به نظر من استعفا اسم رمز یک انتحار در آینده نزدیک است».

همه این بحث‌ها در حالی است که هیچ نشانه‌ای از اراده روحانی بر استعفا وجود ندارد و به نظر می‌رسد که این پیشنهادهای مبنی‌بر استعفا، نظرات شخصی نیروهای سیاسی و نه واقعیت سیاسی است.

نامه علی مطهری خطاب به فرمانده سابق سپاه

عکس: وحید خدادادی، آنا

شرق: دومین نماینده مجلس هم به سخنان فرمانده سابق سپاه پاسخ داد. علی مطهری دیروز نامه‌ای خطاب به سردار محمدعلی جعفری منتشر کرد و طبق این نامه کتابی از شهید مطهری را نیز برای او فرستاده است. قبل از مطهری، الیاس حضرتی دیگر نماینده تهران در نامه‌ای به بخش‌هایی از مصاحبه سردار جعفری پاسخ داده بود. با اینکه حدود یک هفته از حضور فرمانده سابق سپاه در شبکه «افق» سیما می‌گذرد، هنوز واکنش‌ها به صحبت‌های او در این برنامه ادامه دارد. او در این برنامه انتقاداتی را به عملکرد شورای نگهبان در بررسی صلاحیت کاندیداها وارد کرده بود و پرسیده بود که چرا شورای نگهبان «مبانی فکری افراد» را بررسی نمی‌کند؟ مطهری در نامه خود به مواضع سردار جعفری انتقاد کرده است.

مطهری: کاسه داغ‌تر از آش نشویم

فرمانده سابق سپاه، در شبکه «افق» با اظهار تأسف از عملکرد گذشته شورای نگهبان، گفته بود: «متأسفانه شورای نگهبان، مبانی فکری کاندیداها را چندان بررسی نمی‌کند. مبانی فکری کاندیداها باید با مبانی نظام تطبیق داشته باشد. اگر کسی در این مبانی اشکال داشته باشد، سنجش آن، وظیفه سنگین شورای نگهبان است که فکر نمی‌کنم شورای نگهبان با این دقت نگاه و روی مبانی فکری افراد برای تأیید صلاحیت تمرکز کنند». او گفته بود که «در کشورهای مهد دموکراسی هم باید نگاه فرد با نگاه حکومت بخواند، آقایانی که اینجا روی کار می‌آیند، ابایی ندارند که بگویند دیدگاه ما با رهبری اختلاف دارد. خوب اگر دیدگاهت اختلاف دارد، برای چه آمدی؟». مطهری در نامه خود خطاب به او نوشت: «اولا ورود نظامی‌ها به عالم سیاست ممنوع است، هم عقلا و هم مطابق توصیه‌های مکرر امام خمینی(ره). ثانیا این نظر شما با نظر مقام رهبری نیز مغایر است زیرا ایشان تاکنون چند بار گفته‌اند ممکن است کسی در موضوعی نظرش مخالف نظر من باشد، باید بتواند حرفش را بزند. یا در دیدار دانشجویان فرمودند چه کسی گفته از من انتقاد نکنید، از من انتقاد کنید». مطهری در بخش دیگری از این نامه آورده: «ثالثا این نظر جناب‌عالی با سیره رسول اکرم و ائمه اطهار خصوصا علی (ع) در دوره زمامداری‌شان منافات دارد. حضرت امیر می‌فرمود: از من در آشکار و پنهان انتقاد کنید و در برخورد با بزرگ‌ترین دشمن خود (خوارج) تا زمانی که آنها دست به سلاح نبردند، آزادی بیان آنها را محدود نکرد». مطهری در ادامه سرایت‌دادن نوع رابطه نظامیان با ولی فقیه را به مجلس «خطای» بزرگ دانسته: «مجلس مظهر و نمونه کوچکی از ملت است و باید همه دیدگاه‌ها در آن حضور داشته باشند. سرایت‌دادن نوع رابطه نظامیان با ولی فقیه به‌عنوان فرمانده کل قوا به مجلس و نمایندگان، یک خطای بزرگ است. اینکه مبانی فکری دو نفر در همه حوزه‌ها عین هم باشد، کمتر رخ می‌دهد. رهبر انقلاب هم چنین انتظاری ندارند. پس کاسه داغ‌تر از آش نشویم». او تأکید کرده: «از نظر مبانی فکری همین که کسی قانون اساسی را قبول داشته باشد، کافی است برای اینکه بتواند وارد مجلس شود و نیازی به تفتیش عقاید قرون وسطا در اروپا که عکس‌العمل آن تمدن پراشکال غرب بود، نیست. حفظ نظام از راه احترام به آزادی‌ها بهتر انجام می‌شود». طبق نوشته مطهری او نسخه‌ای از کتاب «آینده انقلاب اسلامی ایران» شهید مطهری را برای سردار جعفری ارسال کرده و توصیه کرده که این کتاب را مطالعه کند.

۲ نامه از ۲ نماینده

پیش از این سخنان فرمانده سپاه محل بحث محافل سیاسی و حتی فضای مجازی قرار گرفته بود. الیاس حضرتی، نماینده تهران هم در نامه‌ای سرگشاده خطاب به جعفری نوشته بود: «برادر ارجمندم، جناب جعفری عزیز، سخن حق تلخ است اما چاره‌ای ندارم که بگویم متأسفانه نگاه و نظر شما خریداران صاحب‌قدرتی دارد که حرف و امضایشان نافذ است و می‌توانند مانع از حضور بسیاری از دلسوزان و مصلحان در عرصه‌های تصمیم‌سازی و تقنینی و اجرائی شوند». حضرتی در بخش دیگری خطاب به فرمانده سابق سپاه نوشت: «از کدام کشور و از کدام نظارت سیاسی حرف می‌زنید که ما اطلاعی از آن نداریم؟ اتفاقا در تمامی ممالک دموکراتیک، حتی در ممالکی که به ظاهر قواعد مردم‌سالارانه را رعایت می‌کنند، احزاب سیاسی با اعلام صریح مواضع متفاوت خود اقدام به فعالیت انتخاباتی می‌کنند و هیچ قیدی برای بیان آشکار مخالفتشان ندارند، ایضا نه‌تنها تفاوت نگاه نامزد انتخاباتی‌شان را با نگاه کلی حکومت پنهان نمی‌کنند بلکه عملا بر آتش اختلاف‌نظر می‌دمند و آن را شعله‌ورتر می‌کنند».

واکنش‌ها به سخنان سردار جعفری تاکنون از سوی او بی‌پاسخ مانده است. او از سال ۸۶ تا اردیبهشت‌ماه سال جاری فرمانده سپاه پاسداران بوده است.

خبر

اسحاق جهانگیری:

نباید اجازه دهیم ملت احساس کند آینده‌ای وجود ندارد

● **ایسنا:** اسحاق جهانگیری در مراسم تجلیل از مهندس محسن خلیلی‌عراقی در محل اتاق بازرگانی با بیان اینکه تحریم‌ها، مشکلات ساختاری اقتصاد و ضعف‌های مدیریتی برای کشور مشکل درست کرده است، گفت: «این چالش‌ها در برابر فرصت‌هایی که ایران دارد، ناچیز است. می‌توانیم با کمک هم ایران را از هر پیچ خطرناکی عبور دهیم. مهم این است که این اراده در همه ما شکل بگیرد. آمریکا می‌خواست اقتصاد ما را نابود کند، اما فعالان اقتصادی، اقتصاد کشور را سرپا نگه داشته‌اند. می‌دانم شما با چه سختی‌ای تولید کرده و بنگاه‌های خود را سرپا نگه داشته‌اید».

جهانگیری خاطرنشان کرد: «دولتمردان، نخبگان، دانشگاهیان و بخش‌خصوصی در فکر افق‌گشایی برای کشور باشند. دشمن می‌خواهد آینده را مبهم نشان دهد و ما نباید اجازه دهیم ملت ایران احساس کند آینده‌ای وجود ندارد و باید از فرسایش سرمایه‌های مادی و معنوی کشور جلوگیری و امید اجتماعی را تقویت کنیم».

جهانگیری همچنین گفت: در دهه ۹۰ دو شوک تحریم‌ها در سال ۹۰ و ۹۷ قدرت خرید مردم را کاهش داد. در سال ۹۰ گفتند اجازه می‌دهیم یک میلیون بشکه نفت صادر کنید. درآمد سال ۹۰، ۱۱۸ میلیارد دلار و سال ۹۱، ۶۸ میلیارد دلار بود.

در سال ۹۷ گفتند تلاش می‌کنیم که صادرات نفتی ایران به صفر برسد. الان به‌خاطر گوش‌های نامحرم نمی‌گویم چه میزان صادرات نفت داریم، ولی میزان صادرات نفت به‌شدت کاهش یافته است. در این شرایط که زندگی مردم در شرایطی سخت است، باید در دولت و نظام یک صدا بشنویم، ولی این علیه آن و آن علیه این صحبت می‌کند. مردم متحیر می‌شوند و می‌گویند آیا ما فراموش شده‌ایم؟».

وی در ادامه با اشاره به اینکه اشکالی ندارد به مردم صادقانه بگوییم کجا اشتباه کرده‌ایم، گفت: «باید به بخش خصوصی بیشتر از سایر زمان‌ها توجه کرده و نگاه پیمانکارانه به آنها نداشته باشیم، زیرا آنها شریک توسعه ایران هستند». جهانگیری همچنین اظهار کرد: «راهی جز صنعتی‌کردن ایران نداریم. من از بخش خصوصی همیشه دفاع می‌کنم. من بخش خصوصی را به‌عنوان محور اصلی توسعه ایران قبول دارم و تأکید دارم از نظرات بخش خصوصی در تصمیم‌سازی استفاده شود».

شکایت ۲ وزارتخانه از ۲ نماینده

● **ایسنا:** سخنگوی هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان گفت: وزارت اطلاعات از آقای صادقی شکایتی را مطرح کرده مبنی‌بر اینکه با وجود توضیحات وزیر اطلاعات درباره پرونده ترور دانشمندان هسته‌ای، آقای صادقی جلساتی با مظنونان قبلی این پرونده داشته و به آنها قول‌های خلاف‌واقع داده است. همچنین برخی از مطالب طبقه‌بندی‌شده درباره ترور دانشمندان هسته‌ای را بیان کرده است. جمالی‌نوبندگانی افزود: وزارت ارتباطات از خانم زرآبادی، نماینده قزوین، شکایتی مبنی‌بر افترا و تشویش اذهان عمومی به هیئت داده است که قرار شد از خانم زرآبادی برای ارائه توضیحات دعوت شود.

منتفی‌شدن استیضاح وزیر آموزش‌وپرورش

● **ایسنا:** سخنگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفت که با توجه به پس‌گرفتن تعدادی از امضاهای متقاضیان استیضاح وزیر آموزش‌وپرورش، این استیضاح از حدنصاب افتاد و منتفی شد. میرحمایت میرزاده گفت: تعداد متقاضیان استیضاح وزیر آموزش‌وپرورش به کمتر از ۱۰ نفر رسید، بنابراین این استیضاح از دستور کار خارج شد و ما گزارش آن را به هیئت‌رئیسه خواهیم داد. از سوی دیگر سخنگوی کمیسیون شوراها نیز از برگزاری جلسه بررسی محورهای استیضاح وزیر کشور خبر داد. سلیمی گفت: در نهایت تعدادی از متقاضیان استیضاح، امضای خود را پس گرفتند و قرار شد سایر افراد نیز تا امروز نظر نهایی خود را به رئیس کمیسیون اعلام کنند.

واکنش شکوری‌راد به بازداشت کیانوش‌راد

● **اعتمادآنلاین:** علی شکوری‌راد، دبیرکل حزب اتحاد ملت، در صفحه توییتر خود نوشت: «۳۵ سال است محمد کیانوش‌راد را می‌شناسم. جز اصالت، شرافت، صداقت، بی‌حاشیه‌بودن، پایمردی، پاکدستی و وفاداری به میهن، مردم و اسلام در او سراغ ندارم. جای او زندان نیست».